



## بررسی و توصیف پیوند دهنده‌ها در زبان فارسی

### براساس نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی

مرجان طاهری اسکویی (نویسنده مسئول)

هیأت علمی گروه زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان

زهرا پروینی‌راد

کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۷/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۵/۱۱

#### چکیده

پیونددهنده‌ها در زبانی زبان فارسی بسیار کارآمدند، لذا نگارندگان در این مقاله به بررسی پیونددهنده‌های مرکب زبان فارسی می‌پردازند. هدف پژوهش حاضر، تأیید این مسئله است که آیا تمام عباراتی را که به عنوان پیونددهنده ناهمپایه ساز مرکب می‌شناسیم پیوند دهنده ناهمپایه ساز مرکب اند یا این که تنها جزئی از آن‌ها که همان حرف «که» می‌باشد، پیونددهنده محسوب می‌شود. با مطالعه‌ی کتاب‌های دستور، بررسی روزنامه‌ها و نیز مصاحبه با تعدادی گویشور زبان فارسی این عبارات را گردآوری

کردیم. این عبارات از لحاظ معنایی و از لحاظ ساختاری مورد بررسی قرار گرفتند. از لحاظ معنایی این عبارات معنای ای از قبیل حالت، علت، قصد و غیره را بیان می‌کنند. از لحاظ ساختاری نیز این عبارات در دو دسته قرار گرفتند. دسته‌ی اول دارای ساخت « گروه اسمی + که » و دسته‌ی دیگر دارای ساخت « گروه حرف اضافه‌ای + که » می‌باشند. پس از این دسته بندی آزمون‌های مختلفی از قبیل تست اسم برای ساخت « گروه اسمی + که » و نیز آزمون‌های سازه‌ای را بر هر دو ساخت اعمال کردیم که در نتیجه مشخص شد تعدادی از این عبارات همان طور که دست‌نویسان (۱۳۷۳، ۱۳۸۲، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰) قبلاً هم متذکر شده بودند پیوند دهنده ناهمپایه ساز مرکب می‌باشند. اما برخی از ساخت‌ها گروه اسمی و یا حرف اضافه‌ای بودند. کاربرد آنها در کتب آموزشی زبان فارسی می‌باشد و به بویایی و تکامل دستور زبان فارسی کمک می‌نمایند.

**کلیدواژه‌ها:** پیوند دهنده، پیوند دهنده مرکب، پیونددهنده ناهمپایه ساز.

## ۱- مقدمه

موری و اورا (۱۳۹۲)<sup>۱</sup> رابطه معنایی دو بند برای تشکیل یک جمله را از راه‌های مختلفی می‌توان نشان داد. می‌توان دو بند را بدون به کار بردن هیچ گونه علامتی کنار یکدیگر قرار داد؛ به عبارت دیگر برای اتصال آنها به هم از هیچ پیونددهنده‌ای استفاده نکرد. در این موارد، بار انتقال معنی را کاربردشناسی، یعنی بافت کلامی و موقعیتی برعهده می‌گیرد.

میتون (۱۹۸۸) در زبان‌ها از این بندهای بدون پیونددهنده، بسیار استفاده می‌شود، مثلاً میتون<sup>۲</sup> زبان پرنگی<sup>۳</sup> را مثال می‌زند که در آن از پیونددهنده استفاده نمی‌شود.

در زبان فارسی نیز این راهکار برای ارتباط معنایی دو بند به کار می‌رود؛ به مثال‌های زیر دقت کنید:

۱- اتفاقات و نوسانات یک سال اخیر در بازار ارز و سکه با همه هزینه‌های سنگین که به اقتصاد کشور تحمیل کرد، محاسنی نیز داشت.

<sup>۱</sup> Mauri and Auwera

<sup>۲</sup> Mithun

<sup>۳</sup> Parengi

۲- گشتیم، نبود.

در جمله‌های بالا بندها بدون هیچ علامتی و فقط به واسطه همجواری<sup>۴</sup> با یکدیگر ارتباط دارند. این ارتباط حاصل تعامل صورت‌های زبانی و معنایی است که از بافت حاصل می‌شود و منتج از فرایندهای کاربردشناسی است هر چه میزان رمزگذاری پیوندهندها بیشتر باشد، میزان استنتاج<sup>۵</sup> کمتر خواهد بود. همان‌طور که گفتیم، بار ارتباط معنایی بندها در جملات فوق بیشتر حاصل معنایی است که با توجه به فرایندهای کاربردشناختی از بافت، به دست می‌آید. البته در زبان فارسی می‌توان رابطه بندها را با پیوندهندها نیز رمزگذاری کرد:

۴- اگرچه ممکن است با موانعی رو به رو شویم، اما همه آن‌ها را پشت سر خواهیم گذاشت.

در زبان فارسی می‌توان جملات بدون پیوندهندها را با پیوندهندها نیز آورد؛ در زیر، جملات ۵-۶ را با پیوندهندها آورده ایم. در این کاربردها بار کاربردشناختی کم و وظیفه انتقال روابط به پیوندهندها واگذار می‌شود. همان‌طور که از این مثال‌ها پیداست، گاهی دو بند را با کلمات مختلف و ترتیب متفاوت می‌توان رمزگذاری کرد:

۵- اتفاقات و نوسانات یک سال اخیر در بازار ارز و سکه با همه هزینه‌های سنگینی که به اقتصاد کشور تحمیل کرد، ولی / اما / با این حال محاسنی نیز داشت.

۶- اگرچه / گرچه اتفاقات و نوسانات یک سال اخیر در بازار ارز و سکه هزینه‌های سنگینی به اقتصاد کشور تحمیل کرد، ولی / اما محاسنی نیز داشت.

کرتمن (۱۹۹۷) زبان‌های جهان بیشتر از همین شیوه اخیر، یعنی پیوندهنده آشکار<sup>۶</sup> استفاده می‌کنند. همان‌طور که کرتمن<sup>۷</sup> بیان می‌کند، استفاده از پیوندهنده آشکار بیشتر در نوشتار رایج است و در گفتار از امکانات بافت موقعیت، مثل آهنگ و نشانه‌های فرازبانی استفاده می‌شود. در این مقاله نگارندگان به پژوهشی درباره پیوندهندهای زبان فارسی خواهند پرداخت.

۴ Juxtaposition

۵ Inference

۶ Syndetic

۷ Kortman

انوری، احمدی گیوی (۱۳۹۰) پیونددهنده‌ها از نظر ساختمان دو دسته‌اند: ساده و مرکب. تعداد پیوند دهنده‌های ساده بسیار اندک است، اما تعداد پیوند دهنده‌های مرکب به مراتب زیادتر است. هنگامی پیوند دهنده‌های مرکب را از لحاظ نحوی بررسی می‌کنیم به مشکل برخورد می‌کنیم. گاه تصور می‌شود، دسته‌ای از پیوند دهنده‌های مرکب زبان فارسی که دارای ساخت (اسم + ی + که) هستند، دارای شکلی متفاوت‌اند.

در واقع چنین به نظر می‌رسد که این دسته از واژه‌ها، اصلاً پیوند دهنده نیستند بلکه تنها بخشی از آن‌ها یعنی حرف «که»، پیونددهنده است و جمله‌واره‌ای که پس از پیوند دهنده «که» می‌آید متمم گروه اسمی است که قبل از این پیوند دهنده مرکب شناخته شده است. در این قسمت مقاله پژوهش‌هایی که در زمینه پیونددهنده‌ها انجام شده است را بیان می‌کنیم.

انوری، احمدی گیوی (۱۳۹۰) حرف ربط یا پیوند دهنده، کلمه‌ای است که دو کلمه‌ی همگون یا دو عبارت یا دو جمله را به هم می‌پیوندد و آن‌ها را همپایه و هم نقش می‌سازد و یا جمله‌ای را به جمله‌ی دیگر می‌پیوندد و دومی را وابسته‌ی اولی قرار می‌دهد.

شفائی (۱۳۷۳) پیونددهنده‌ها دومین دسته از اجزای کلامی کلامند که فاقد معنا یا دارای معنای ضعیفند، تظاهر اصلی آن‌ها در نحو است. پیوند دهنده‌ها از اجزاء مستقل کلام (اسم، صفت، ضمیر، عدد، فعل، ظرف) به وجود آمده‌اند و متدرجا معانی نحوی خود را قسماً و یا تماماً از دست داده و تنها نمایشگر معانی دستوری مانده‌اند.

باطنی (۱۳۸۹) جمله هسته‌ای دارای دو عنصر ساختمانی است: هسته و وابسته. چون واحدی که به عنوان عنصر ساختمانی در ساختمان جمله به کار می‌رود بند می‌باشد، بنابراین واحد بند دارای دو طبقه متمایز است که می‌توانند در جایگاه دو عنصر ساختمانی جمله قرار گیرند. جایگاه هسته به وسیله طبقه‌ای از واحد بند اشغال می‌شود که به آن طبقه بند آزاد می‌گوئیم و جایگاه وابسته به وسیله طبقه دیگری اشغال می‌شود که آن را بند مقید می‌نامیم.

ملاک صوری برای تشخیص بند مقید از بند آزاد، بودن یکی از عناصر «پیوند دهنده» در بند مقید و نبودن آن در بند آزاد است. عناصر پیوند دهنده طبقه بسته‌ای را تشکیل می‌دهند. بنابراین،

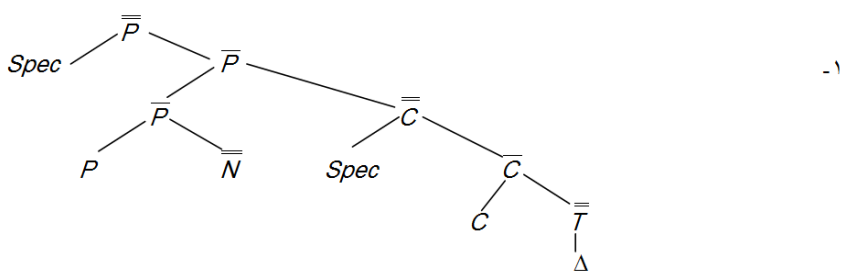
بند مقید دارای یکی از عناصر زیر می‌باشد که افراد مهم طبقه پیوند دهنده را تشکیل می‌دهد. چنانچه، اگر، هرگاه، که، چون، زیرا، تا، والا، و امثال آن. بندهایی که این عناصر را نداشته باشند از طبقه آزاد هستند و می‌توانند در جایگاه هسته قرار گیرند. استثنایی که در این مورد وجود دارد مربوط به « که » است. گاهی « که » بالفعل موجود نیست، ولی بالقوه به عنوان عامل پیوند دهنده وجود دارد.

غلامعلی زاده (۱۳۹۰) پیوستن مقوله‌ها یا جمله‌ها به یکدیگر با واژه‌هایی مانند ( و، یا، اما، لیکن و غیره) را همپایه سازی نامند. همین تعریف مختصر مشخص می‌کند که همپایه سازی هم در سطح واژه و گروه، و هم در سطح جمله صورت می‌پذیرد.

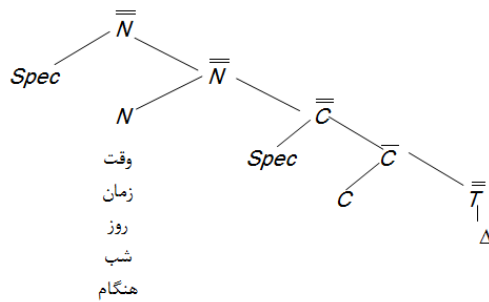
حروف عطفی که برای همپایه کردن جمله‌ها به کار برده می‌شوند عبارت اند:

(۱) و، یا، یا ... (و) یا، هم ... (و) هم، نه ... (و) نه، خواه ... (و) خواه، چه ... (و) چه، ولی، اما، لیکن، لیک، بلکه، بل، در صورتی که (چنانچه در وسط جمله ظاهر گردد، والا اگر در آغاز جمله پدیدار شود یک عنصر ناهمپایه ساز تلقی می‌شود) همان منبع.

فرزین (۱۳۸۶) بیان می‌کند که حروف « از آن جهت که »، « به مجرد اینکه » و « در ضمن اینکه » که تا کنون جزو پیوند دهنده های مرکب قرار داشتند در حقیقت « گروه حرف اضافه ای + که » می‌باشند که شکل آنها در قالب نظریه ی حاکمیت و مرجع‌گزینی به صورت زیر خواهد بود.



و حروف « جوری که »، « مادامی که » و « چنان که » که تا کنون جزو پیوند دهنده های زبان فارسی دسته بندی شده بودند، در حقیقت گروه اسمی هستند و شکل آنها در قالب نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی به صورت زیر خواهد بود.



مشکوه‌الدینی (۱۳۹۰) جمله‌ی مرکب ناهمپایه از یک جمله پایه و یک یا چند جمله‌ی وابسته که در یکی از جایگاه‌های نحوی جمله‌ی پایه ظاهر می‌گردد، تشکیل می‌شود. در جلوی جمله‌ی وابسته، معمولاً، یکی از پیوند دهنده‌های ناهمپایگی به کار می‌رود، از جمله: که، تا، اگر، چون، زیرا، زیرا که، وقتی که، هنگامی که، زمانی که، جایی که و جز این‌ها.

پهلوان نژاد و رسول پور (۱۳۹۱) در مقاله‌ی ای با عنوان «جملات مرکب در زبان فارسی: تحلیلی بر پایه‌ی نظریه نقش و ارجاع» ساختار جملات مرکب زبان فارسی را بر پایه‌ی نظریه‌ی «دستور نقش و ارجاع» بررسی کرده‌اند. دستور حاضر سه نوع رابطه را با عنوان «همپایگی»، «ناهمپایگی» و «هم وابستگی» بین جملات مرکب مطرح می‌سازد و سه سطح اولیه‌ی پیوند را «بند»، «کانون»، و «هسته» می‌داند. سه نوع رابطه‌ی احتمالی بین واحدها برقرار است. بنابراین، از ترکیب سطوح اولیه‌ی پیوند و روابط احتمالی، نه رابطه در «دستور همگانی» این نظریه قابل تصور است؛ که الزاماً تمامی آن‌ها در همه‌ی زبان‌ها یافت نمی‌شود. در این مقاله، جملات مرکب را تحت دو رابطه‌ی کلی همپایگی و ناهمپایگی بررسی نموده و دو نوع رابطه را برای همپایگی و نه رابطه را برای ناهمپایگی معتبر دانسته‌اند؛ که با ارائه مثال‌ها و شکل‌هایی تبیین شده‌اند.

نغزگوی (۱۳۹۲) پیونددهنده‌های مرکب (برخلاف پیونددهنده بسیط) از دو یا چند کلمه تشکیل شده‌اند. هم پیونددهنده بسیط و هم مرکب، تنها در یک بند به کار می‌روند و جایگاه آن‌ها معمولاً در آغاز بند دوم است.

۱- شهرداری خیلی از پیاده‌روها را سنگفرش جدید کرده و خیلی هم زیبا شده، منتها خیلی از جاها هنوز به سال نرسیده، نشست کرده است.

۲- نوسان بازار سکه و ارز موجب شد که قیمت برخی از کالاها به طور ناگهانی افزایش پیدا کند؛ در حالی که هیچ توجیهی هم در پس این افزایش قیمت‌ها نیست. در جملات بالا، به ترتیب متنها، در حالی که پیونددهنده بسیط و پیونددهنده مرکب هستند. زبان‌شناسان به طور کلی معتقد به سه نوع ارتباط اتصالی<sup>۸</sup>، انفصالی<sup>۹</sup>، تقابلی<sup>۱۰</sup> میان دو بند همپایه هستند رامات و موری (۱۳۹۳)<sup>۱۱</sup>. در تقسیم‌بندی‌های جزئی‌تر، انواع دیگری نیز به این فهرست اضافه شده است: مانند شرطی، زمانی، علّی و قصدی. اهمیت پژوهش حاضر این است که پیونددهنده‌ها در ایجاد جملات مرکب و پیوند جمله‌واره‌ها و عبارات دخیلند، سبب‌زایی هر چه بیشتر زبان می‌شوند و با مطالعه‌ی آن‌ها می‌توان به توصیف‌صوری بخشی از دانش زبانی دست یافت، و به کشف و تبیین اصول جهانی و خاص زبانی حاکم بر ساختارهای ذهنی کمک نمود.

هدف نگارندگان در این مقاله بر این است که با ارائه استدلال‌هایی تأیید کنند برخی از ساخت‌هایی که پیوند دهنده مرکب خوانده می‌شوند در حقیقت [گروه اسمی یا گروه حرف اضافه + پیوند دهنده «که» + جمله‌واره متممی] هستند. همچنین در این مقاله سعی بر آن است که پیوند دهنده‌های زبان فارسی را بر اساس ملاک‌های صوری- نحوی دسته‌بندی کنیم و جایگاه نحوی آن‌ها را در جمله‌واره‌های زبان فارسی مشخص کنیم.

## ۲- روش گردآوری داده‌ها و پژوهش

نوع تحقیق کتابخانه‌ای و میدانی است و شیوه مورد استفاده در این پژوهش توصیفی است. در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات، ابتدا نظریه‌های مرتبط با نظریه حاکمیت و مرجع

<sup>۸</sup> Conjunctive

<sup>۹</sup> Disjunctive

<sup>۱۰</sup> Adversative

<sup>۱۱</sup> Ramat and Mauri

گزینی در داخل و خارج از کشور مطالعه شده و پس از آشنایی کامل با این نظریه، با تکیه بر اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی به بررسی پیوند دهنده‌ها در زبان فارسی بر اساس این نظریه پرداخته شده است.

در این روش جهت گردآوری اطلاعات از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی، از اینترنت و در صورت لزوم از اطلاعات اساتید گروه ادبیات فارسی و زبان شناسی بهره گیری شده است. نگارندگان نمونه‌های خود را از جملات دستوری موجود در کتاب‌ها و نیز از روزنامه‌ها و نیز جملاتی که بر اساس شَمّ زبانی سخنگویان زبان فارسی دستوری است استفاده نموده‌اند. در جمع آوری داده‌ها براساس شَمّ زبانی، از دانش و شَمّ زبانی یکی از نویسندگان مقاله و ۲۰ نفر از سخنگویان زبان فارسی کرمانشاهی از گروه‌های سنی ۲۵ تا ۳۵ با تحصیلات دانشگاهی استفاده شده است. با عنایت به این که داده‌های زبانی را نمی‌توان بر پایه روش‌های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار داد، روش مورد استفاده در این تحقیق به کارگیری مثال‌ها در زبان فارسی می‌باشد. پس از گردآوری داده‌ها، این حروف بر اساس دو ملاک مختلف دسته‌بندی شده‌اند: ملاک‌های معنایی و ملاک‌های نحوی.

ابتدا به دسته‌بندی این حروف بر اساس ملاک‌های معنایی پرداخته می‌شود. بدین منظور از آراء دستوریان پیشین و دستوریان جدید استفاده شد. سپس، این حروف در قالب نظریه‌ی حاکمیت و مرجع‌گزینی دسته‌بندی شدند.

در هنگام انجام بررسی‌های نحوی در هنگام برخورد با مسئله‌ی مطرح شده در نظریه، که همان مسئله‌ی ساخت پیوند دهنده‌های مرکب می‌باشد. ابتدا به تأیید فرضیه پرداخته شد و سپس با توجه به تغییرات حاصل، شکل این قبیل عناصر زبانی در قالب نظریه‌ی حاکمیت و مرجع‌گزینی ترسیم گردید. در تأیید نظریه نیز سعی شد از نشانه‌های اسمی، تست‌های سازه‌ای و محدودیت‌های گروه اسمی در قالب نظریه‌ی ایکس - تیره استفاده شود. در اینجا پژوهشگران سعی دارند فهرستی از کتاب‌ها و روزنامه‌هایی که برای جمع آوری داده استفاده کرده‌اند. را ذکر نمایند.



۲- توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی (باطنی، ۱۳۸۹)

۳- ساختار زبان فارسی (غلامعلی زاده، ۱۳۹۰)

۴- دستور زبان فارسی (بر پایه نظریه ی گشتاری) (مشکوه الدینی، ۱۳۹۰)

۵- ایران، یکشنبه ۹ مرداد ماه ۱۳۹۰.

۶- همشهری، دوشنبه ۱۰ مرداد ماه ۱۳۹۰

### ۳- تجزیه و تحلیل داده‌ها

پیوند دهنده کلمه است که دو یا چند کلمه، گروه یا جمله وارہ را به هم می پیوندند. این حروف به ایجاد ارتباط معنایی و نحوی بین دو مقوله می پردازند. نوع ارتباط معنایی ایجاد شده بین این مقولات نحوی بستگی به پیوند دهنده‌ای دارد که مورد استفاده قرار می گیرد. پیوند دهنده‌ها را از لحاظ معنایی به صورت زیر دسته بندی کرده‌اند.

**پیوند دهنده‌های همپایگی:** پیوندهای همپایگی یکی از معانی زیر را بیان می کنند:

**پیوند دهنده‌ها در معنای توالی:**

بعد، و بعد، و سپس، آن گاه، پس، ...

**پیوند دهنده‌ها در معنای تناوب:**

یا، والا، یا این که، ...

**پیوند دهنده‌ها در معنای نتیجه:**

در نتیجه، بنابراین، تا، پس، لهذا، ...

**پیوند دهنده‌ها در معنای تضاد:**

لیکن، اما، لیک، ولیکن، با این وجود، ولی، ...

**پیوند دهنده‌ها در معنای یکسانی**

چه ... چه، خواه ... خواه، خواهی ... خواهی...

**پیوند دهنده‌های ناهمپایگی:** پیوند دهنده‌های ناهمپایگی یکی از معانی زیر را بیان می

کنند:

**پیوند دهنده‌ها در معنای استثناء:**

مگر، مگر این که، جز، جز این که، بجز، الا اینکه، الا که ، ...

#### پیوند دهنده‌ها در معنای وضع و حالت:

چون، بدین گونه، که، چنین که، بدانسان که، زان سان که، همچنانکه، همان طور که، ...

#### پیوند دهنده‌ها در معنای زمان:

آن وقت که، آن زمان که، همان دم که، همین که، تا، همین که، هر موقع که، چون، چو، از آن روز که، کنون که، پیش از آنکه، هر گه که، همان روز ... که، ...

#### پیوند دهنده‌ها در معنای مکان:

هر جا، جایی که، هر جا که، آن جا که، ...

#### پیوند دهنده‌ها در معنای نتیجه:

تا، چنان که، در نتیجه، چندان که، طوری که، جوری که، تا اینکه، ...

#### پیوند دهنده‌ها در معنای مقایسه و تشبیه:

مثل این که، انگار که، همان طور که، ...

#### پیوند دهنده‌ها در معنای شرط:

اگر، به شرطی که، چون، تا، به فرض این که، مگر، در صورتی که، مگر اینکه، اگر چه، گر

چه، ...

#### پیوند دهنده‌ها در معنای تقابل:

علی رغم این که، با وجودی که، بر عکس، با وجود آن که، هر چند که، به رغم، با وجود آنکه، با این وجود، با این حال، با این همه، اگر چه، چندانکه، با آنکه، اگر چند، هر چند، ...

#### پیوند دهنده‌ها در معنای علت:

چون، زیرا، چون که، به سبب آن که، به این سبب که، به خاطر اینکه، به جهت آنکه، که، به جهت اینکه، به علت اینکه، از این جهت که، ...

#### پیوند دهنده‌ها در معنای قصد:

به منظور این که، برای این که، تا، تا این که، ...

پیوند دهنده‌ها در معنای الحاق :

علاوه بر آنکه ، ...

پیوند دهنده‌ها در معنای غایت :

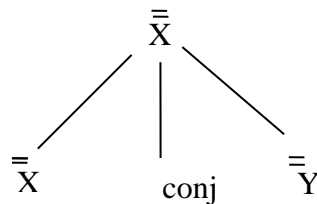
تا زمانی که ، تا ، تا وقتی که ، ...

حال در نظر داریم پیوند دهنده‌ها را بر اساس ملاک‌های نحوی دسته بندی کنیم. به نظر می‌رسد، گروهی از کلماتی که در دسته‌ی پیوند دهنده‌های مرکب قرار گرفته‌اند، واقعاً پیوند دهنده مرکب نیستند. در نتیجه، در نظر داریم با ارائه‌ی استدلال‌هایی ساخت واقعی این کلمات را به دست آوریم. بنابراین، در این قسمت مقاله، به بررسی جایگاه نحوی پیوند دهنده‌ها در شکل درختی خواهیم پرداخت، سپس، با ارائه‌ی استدلال‌هایی به بررسی و مطالعه‌ی ساخت درونی پیونددهنده‌های مرکب می‌پردازیم، و در نهایت، شکل درختی جدیدی را که مطابق تغییرات لازم است برای این دسته از حروف نمایش می‌دهیم.

بررسی جایگاه نحوی پیونددهنده‌ها در نمودار درختی

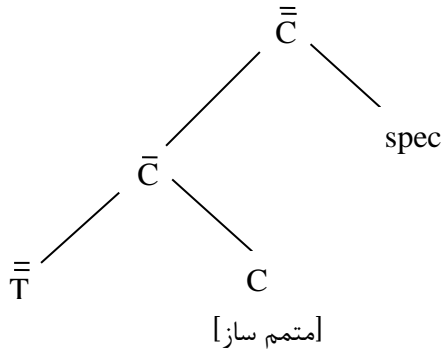
پیوند دهنده‌ها از نظر ساختمان دو دسته‌اند: ساده و مرکب.

غلامعلی زاده (۱۳۹۰) جایگاه پیوند دهنده‌های ساده به علت سادگی ساخت، کاملاً مشخص است. اگر این حروف، از دسته‌ی پیوند دهنده‌های همپایگی باشند، یعنی همان حروفی که در دستور زبان فارسی حروف ربط خوانده می‌شوند، در زیر گروه پیوند دهنده‌های همپایگی قرار می‌گیرند و ساخت زیر را خواهند داشت:



در این شکل،  $xp$  و  $Yp$  باید از یک مقوله‌ی نحوی باشند، مثلاً هر دو گروه اسمی باشند و  $\text{conj}$  همان پیوند دهنده همپایه ساز است.

اگر این حروف از دسته‌ی پیوند دهنده‌های ناهمپایه‌ی ساده باشند، پیوند دهنده‌ها در زیر گره (C) که همان متمم ساز است، قرار خواهند گرفت .



جایگاه پیوند دهنده مرکب هم، درست مثل پیوند دهنده ساده بستگی به نوع ساخت همپایه و ناهمپایه دارد. اگر پیوند دهنده‌های مرکب در ساخت همپایه به کار روند، دارای ساختی شبیه شکل ۱ و اگر در ساخت ناهمپایه به کار روند، دارای ساختی شبیه شکل ۲ خواهند بود. اما، اولین سوالی که در این جا مطرح است، این است که آیا پیوند دهنده‌هایی مانند:

«زمانی که»، «وقتی که»، «هر جایی که» و ... که اغلب دارای ساخت [اسم + ی + که + جمله‌واره] می‌باشند، واقعاً پیونددهنده مرکب اند و یا گروه‌های اسمی هستند که به اشتباه پیونددهنده مرکب فرض شده‌اند؟ برای اینکه به سوال فوق پاسخ داده شود، باید تأیید کنیم که اسم موجود در این ساخت می‌تواند مانند دیگر اسم‌ها در زبان فارسی عمل کند. بدین منظور، می‌توان از نشانه‌های اسم در مورد آن‌ها استفاده کرد.

- یکی از نشانه‌های اسم آن است که می‌توان آن را جمع بست:

دفتر + ها = دفترها

(الف) (۱) وقتی که آفتاب طلوع کرد، از خانه بیرون آمدم.

البته، این آزمون در مواردی جوابگوی مسئله نیست، زیرا همان طور که میدانیم برخی از اسامی مانند «هر جایی» قابل جمع بستن نیستند.

ب) ۱) هر جایی که اقتدار بین کادر فنی و بازیکنان بوده، تیم موفق، جنگنده و شاداب بوده است.

۲) \* هر جاهایی که اقتدار بین کادر فنی و بازیکنان بوده، تیم موفق، جنگنده و شاداب بوده است.

• برخی از واژه‌هایی مثل: این، آن، چند، برخی، و ... که قبل از اسم قرار می‌گیرند را تعیین کننده می‌نامند.

۲) الف) آن وقتی که آفتاب طلوع کرد، از خانه بیرون آمدم.

ب) \* چند وقتی که آفتاب طلوع کرد، از خانه بیرون آمدم.

پ) آن موقعی که آفتاب طلوع کرد، از خانه بیرون آمدم.

ت) \* برخی موقعی که آفتاب طلوع کرد، از خانه بیرون آمدم.

همان طور که می‌بینید، می‌توان این کلمات را با برخی اسامی همراه کرد، اما برخی از اسامی نمی‌توانند با این کلمات نامشخص بیایند.

• اضافه کردن متمم اسمی به بخش اسمی پیوند دهنده مرکب:

۳) الف) \* وقتی از وقت‌ها که آن‌ها در این شهر زندگی می‌کردند، ما همیشه به این جا می‌آمدیم.

ب) \* زمانی از زمان‌ها که آن‌ها در این شهر زندگی می‌کردند، ما همیشه به این جا می‌آمدیم. با توجه به شواهدی که ذکر شد، دیدیم که در برخی موارد بخش اسمی پیوند دهنده‌های مرکب همچنان استقلال خود را حفظ کرده‌اند و در برخی موارد چنین نیست. برای اینکه به پاسخ مناسب‌تری در این زمینه برسیم، بهتر است از ملاک‌های سازه‌ای نیز استفاده کنیم:

ابتدا، بهتر است سازواری زنجیره‌ی [که + جمله‌واره] را تأیید کنیم، زیرا اگر تأیید شود این زنجیره یک سازه‌ی مستقل را تشکیل می‌دهد؛ نتیجه می‌گیریم آنچه قبل از حرف « که » قرار می‌گیرد با « که » تشکیل یک پیوند دهنده نمی‌دهد:

### تست حرکت

۵) الف) ۱- وقتی که کامیار آمد نازنین کارش را تمام کرده بود.

۲- وقتی کامیار کارش را تمام کرده بود که نازنین آمد.

(ب) ۱- زمانی که متهم در مواجهه حضوری با مالباخته قرار گرفت، به جرمش اعتراف کرد.

۲- زمانی به جرمش اعتراف کرد که متهم در مواجهه حضوری با مالباخته قرار گرفت.

### تست همپایگی:

(۶ الف) ۱- \* وقتی که تو آمدی و که دنیا رفت من به دبیرستان رفته بودم.

۲- \* هنگامی که هوا سرد شد و که هوا برفی بود بخاری را روشن کردم.

با توجه به آنچه در بالا می‌بینیم تست همپایگی جوابگوی سازواری زنجیره‌ی [که+ جمله- واره] نیست، اما همان طور که قبلاً در مورد جمله واره های موصولی تحدیدی گفته شد، این جمله واره ها قابل تکرار نیستند.

### تست جایگزینی:

(۷ الف) ۱- وقتی که شمع را افروختم اتاق روشن شد.

۲- همین که شمع را افروختم اتاق روشن شد.

همان طور که می‌بینیم، با استفاده از تست‌های فوق تأیید می‌شود بخش اسمی کلمات «وقتی که»، «زمانی که»، «هنگامی که» از ساخت [که+ جمله واره] قابل جدا شدن هستند و همین امر تأیید می‌کند که این واژه‌ها با هم تشکیل یک واژه نمی‌دهند، زیرا هنگامی یک واژه را مرکب می‌دانیم که واحدهای آن از هم جدایی پذیر نبوده و چیزی بین آن‌ها قرار نگیرد. در حقیقت زنجیره‌ی [که+ جمله واره] یک سازه را تشکیل می‌دهد که به توصیف گروه اسمی پیش از خود (وقت، زمان، هنگام) می‌پردازد.

در این قسمت سعی داریم چند مورد دیگر را که دارای این ساخت هستند بررسی کنیم و شکل درختی آن‌ها را با توجه به تغییرات فوق ترسیم نماییم.

### تست حرکت

(۱) آن زمان که (الف) آن زمان که تیم خوب کار نمی‌کند، مربی از بازیکنانش حمایت می‌کند.

(ب) آن زمان مربی از بازیکنانش حمایت می‌کند که تیم خوب کار نمی‌کند.

در مثال فوق، اجزاء جدایی پذیرند. در نتیجه، این مورد یک گروه اسمی به همراه پیوند دهنده ساده‌ی «که» می‌باشد نه پیوند دهنده مرکب.

(۲) زمانی که (الف) زمانی که تیم خوب کار نمی‌کند مربی از بازیکنانش حمایت می‌کند.

(ب) زمانی مربی از بازیکنانش حمایت می‌کند که تیم خوب کار نمی‌کند.

(۳) اکنون که (الف) اکنون که والیبال تنها رشته‌ی تیمی در المپیک بود مدعی شده‌اید در والیبال شکست خورده‌ایم.

(ب) \*اکنون مدعی شده‌اید در والیبال شکست خورده‌ایم که والیبال تنها رشته‌ی تیمی در المپیک بود.

اجزاء واژه‌ی «اکنون که» قابلیت جدایی از هم را ندارد و در نتیجه، یک پیوند دهنده مرکب محسوب می‌شود.

### تست همپایگی:

می‌توان این تست را در مورد اسم موجود در پیوند دهنده مرکب به کار برد، و اسم بودن و نیز سازه بودن آن را تأیید کرد.

(۱) آن زمان که (الف) آن زمان که تیم خوب کار نمی‌کند، مربی از بازیکنانش حمایت می‌کند.

(ب) آن زمان و آن هنگام که تیم خوب کار نمی‌کند، مربی از بازیکنانش حمایت می‌کند.

(۲) زمانی که (الف) زمانی که تیم خوب کار نمی‌کند مربی از بازیکنانش حمایت می‌کند.

(ب) زمانی و مادامی که تیم خوب کار نمی‌کند، مربی از بازیکنانش حمایت می‌کند.

۳) اکنون که الف) اکنون که والیبال تنها رشته ی تیمی در المپیک بود مدعی شده اید در والیبال شکست خورده ایم.

ب) \*اکنون و حالا که والیبال تنها رشته ی تیمی در المپیک بود مدعی شده اید در والیبال شکست خورده ایم .

### تست جایگزینی:

۱) آن زمان که الف) آن زمان که تیم خوب کار نمی کند، مربی از بازیکنانش حمایت می کند.

ب) آن وقت که تیم خوب کار نمی کند، مربی از بازیکنانش حمایت می کند.

۲) زمانی که الف) زمانی که تیم خوب کار نمی کند، مربی از بازیکنانش حمایت می کند.

ب) هنگامی که تیم خوب کار نمی کند، مربی از بازیکنان حمایت می کند.

۳) اکنون که الف) اکنون که والیبال تنها رشته ی تیمی در المپیک بود مدعی شده اید در والیبال شکست خورده ایم .

ب) حالا که والیبال تنها رشته ی تیمی در المپیک بود مدعی شده اید در والیبال شکست خورده ایم .

### جایگزینی توسط کلمه پریشی

۱) زمانی که دیسک به ریشه عصبی فشار می آورد، ممکن است فیزیوتراپی و ورزش کردن باعث تشدید درد و حتی علائم عصبی و فلج های مختلف شود. چه زمانی ممکن است فیزیوتراپی و ورزش کردن باعث تشدید درد و حتی علائم عصبی و فلج های مختلفی شود؟

۲) آن زمان که سلول ها به علت کم خونی ، اکسیژن کافی دریافت نمی کنند، فرد دچار بی حالی و خستگی خواهد شد . چه زمانی فرد دچار خستگی و بی حالی خواهد شد؟



(۳) اکنون که والیبال تنها رشته ی تیمی در المپیک بوده مدعی شده اید در والیبال شکست خورده ایم . کی مدعی شده اید در والیبال شکست خورده ایم ؟  
در هنگام پاسخگویی به مواردی که در بالا مورد بررسی قرار گرفت، کل جمله واره ی پیرو جواب واقع می‌شود نه قسمتی از آن. همچنین در جواب به پرسش‌های ارائه شده، حذف قسمتی از اجزا در هیچ موردی دیده نشد. این مسئله باعث ایجاد تناقضاتی در آنچه قبلاً در مورد موارد ذکر شده‌ی فوق گفته شده می‌شود.

از بین واژه‌هایی که بررسی کردیم، « اکنون که» به برخی تست‌های سازواری جواب نداد: در نتیجه، می‌توان گفت «زمانی که»، «آن زمان که» که جزو پیوند دهنده‌های مرکب زبان فارسی دسته بندی شده بودند، در حقیقت اسم حاوی یک جمله واره ی موصولی‌اند. از آنجا که هسته‌ی این اسم‌ها دارای معنای خاصی نیستند، نیازمند یک متمم اجباری می‌باشند تا معنای آن‌ها را کامل کند. علاوه بر استدلال‌های فوق، استدلال دیگری نیز در تایید این نظر وجود دارد. تمام جمله واره های موصولی و متممی نسبت به یکی از محدودیت‌هایی که راس<sup>۱۲</sup> به عنوان جزیره معرفی کرده است، عکس‌العمل نشان می‌دهند. این محدودیت، محدودیت جزیره‌ی عبارات پرسشی است که بر اساس آن هر جمله‌ای که در درون جمله دیگری قرار می‌گیرد و به عنوان وابسته‌ی آن عمل کند، در صورتی که درون آن عبارتی پرسشی مشاهده شود، این جمله واره ی وابسته، تشکیل یک جزیره می‌دهد که از درون آن نمی‌توان سازه‌ای را خارج کرد.

(۱) الف) آن زمان که کامیار چه چیز را به شهناز داد تلفن زنگ زد؟

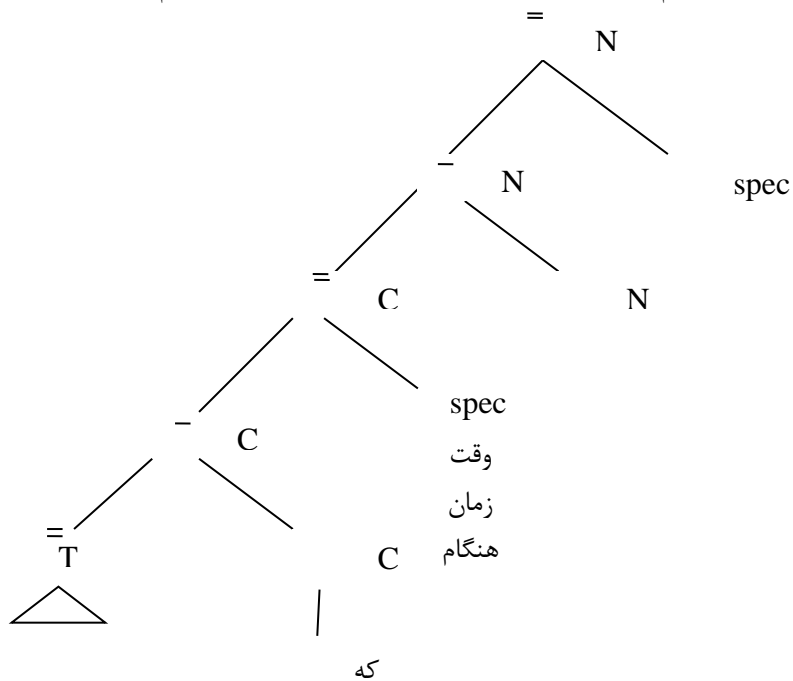
\* ب) به شهناز آن زمان که کامیار چه چیز را داد تلفن زنگ زد؟

(۲) الف) زمانی که کامیار چه چیز را داد تلفن زنگ زد؟

\* ب) به شهناز زمانی که کامیار چه چیز را داد تلفن زنگ زد؟

این محدودیت به خوبی در مثال‌های فوق مشهود است و همین محدودیت باعث غیر دستوری شدن مثال‌های ب شده است. این مثال‌ها به خوبی تأیید می‌کنند که تمام موارد فوق گروه اسمی‌اند و نه پیوند دهنده مرکب و دلیل تبعیت این موارد از قانون راس نیز همین است.

زیرا این قانون تنها در مورد گروه‌های اسمی صادق است. با توجه به استدلال‌هایی که ذکر شد، مشخص گردید که برخی از ساخت‌هایی که به صورت [ اسم + ی + جمله واره ] هستند، علی‌رغم نظر برخی از دستور نویسندگان زبان فارسی، در حقیقت گروه‌های اسمی هستند. از آنجا که جمله واره ی موجود در این نوع گروه‌های اسمی قابل حذف نیستند، در نتیجه، از نوع جمله واره های موصولی محدود کننده می‌باشند. در نتیجه، شکل درختی آن‌ها در قالب نظریه‌ی حاکمیت و مرجع‌گزینی به صورت زیر خواهد بود: ( این شکل بر خلاف شکلی که فوزین (۱۳۸۶) ترسیم کرده است ( که در بخش پیشینه به آن پرداختیم) می‌باشد.



مواردی که دارای ساختمان «حرف اضافه + گروه اسمی + که» می‌باشند:

در اینجا در نظر داریم به بررسی ساختمان برخی از موارد که در دستور زبان فارسی پیوند دهنده مرکب فرض شده اند و دارای ساختمان «حرف اضافه + اسم + که» هستند پردازیم تا دریابیم که آیا اسم موجود در ساختمان این واژه‌ها، به راستی جزو لاینفک آن‌هاست یا ساختمان

حقیقی آن‌ها متشکل از یک گروه حرف اضافه‌ای به علاوه‌ی پیونددهنده‌ی « که » می‌باشد. به همین منظور، ۳۵ مورد را که دستورنویسان زبان فارسی به نام پیوند دهنده‌های مرکب معرفی کرده‌اند، جمع آوری کردیم و به بررسی آن‌ها پرداختیم و در این جا تنها چند مورد را ذکر می‌کنیم.

پیوند دهنده‌هایی که دارای ساختمان « حرف اضافه + اسم + که » می‌باشند:

بعد از اینکه، از موقعی که، از بس که، به قصد اینکه، به طوری که، در صورتیکه، پس از آن که. در این قسمت، برای تأیید این مسئله که مواردی که دارای ساختمان «حرف اضافه + گروه اسمی + که» هستند، یک گروه حرف اضافه‌ای است که توسط یک جمله واره توصیف می‌شود یا یک پیونددهنده مرکب است، از دو تست حرکت و حذف استفاده می‌کنیم. استفاده از تست حرکت بدین دلیل است که در ساخت واژه، واژه‌ای را مرکب گویند که در ساخت آن نه واژه‌ای وارد شود و نه اجزای آن از هم جدایی پذیر باشند، یعنی حرکت در آن ممکن نباشد. همچنین، اجزای پیوند دهنده مرکب به صورت یکپارچه عمل می‌کنند و حذف قسمتی از ممکن نمی‌باشد، بلکه در صورت حذف پذیری، کل آن حذف می‌شود نه جزئی از آن. در زیر این دو تست بر حروف ذکر شده‌ی فوق اعمال و نتیجه آن پس از انجام تست ارائه می‌گردد.

بعد از اینکه      بعد از اینکه پلیس به حرکت مارپیچ یک کامیون مشکوک شد، آن را متوقف کرد.

(۱) حرکت      بعد از این آن را متوقف کرد که پلیس به حرکت مارپیچ یک کامیون مشکوک شد.

(۲) حذف      بعد از مشکوک شدن پلیس به حرکت مارپیچ یک کامیون آن را متوقف کرد.

به دلیل دستوری بودن هر دو جمله پس از اعمال تست‌های حرکت و حذف، ساخت را ساخت «گروه حرف اضافه + که» میدانیم.

از موقعی که از موقعی که مشکل تبعیض و فقر بر زندگی بخش بزرگی از ملت‌ها سایه افکنده است، بسیاری از روزنامه نگاران مسیر فعالیت خود را به سمت عدالت خواهی تغییر داده‌اند.

(۱) حرکت از موقعی که بسیاری از روزنامه نگاران مسیر فعالیت خود را به سمت عدالت خواهی تغییر داده‌اند که مشکل تبعیض و فقر بر زندگی بخش بزرگی از ملت‌ها سایه افکنده است.

(۲) حذف از موقع سایه افکندن مشکل تبعیض و فقر بر زندگی بخش بزرگی از ملت‌ها، بسیاری از روزنامه نگاران مسیر فعالیت خود را به سمت عدالت خواهی تغییر داده‌اند.

در این مورد، به دلیل دستوری بودن پس از اعمال تست‌ها، ساخت را غیر مرکب میدانیم. از بس که از بس که شاهنامه‌ی فردوسی دل انگیز و پر معنی است، چندین بار آن را خواندم.

(۱) حرکت \* از بس چندین بار آن را خواندم که شاهنامه‌ی فردوسی دل انگیز و پر معنی است.

(۲) حذف \* از بس دل انگیز و پر معنی بودن شاهنامه‌ی فردوسی، چندین بار آن را خواندم. این مورد به علت جوابگو نبودن به تست‌های حرکت و حذف پیوند دهنده مرکب فرض می‌شود.

به قصد اینکه به قصد اینکه افراد خانواده در کارشان موفق شوند، باید به یکدیگر کمک کنند.

(۱) حرکت به قصد این باید به یکدیگر کمک کنند که افراد خانواده در کارشان موفق شوند.

(۲) حذف به قصد موفق شدن افراد خانواده در کارشان باید به یکدیگر کمک کنند. پس از اعمال تست، « به قصد اینکه » دچار هیچ مشکل دستوری نشد، و در نتیجه پیوند دهنده مرکب محسوب نمی‌شود.

به طوری که با فرا رسیدن خرداد ماه طرح جمع آوری ماهواره وارد فاز جدیدی شد، به طوری که نیروی انتظامی سراغ مناطقی از شرق و شمال شهر تهران هم رفت.

(۱) حرکت ؟ با فرا رسیدن خرداد ماه طرح جمع آوری ماهواره به طوری وارد فاز جدیدی شد که نیروی انتظامی سراغ مناطقی از شرق و شمال شهر تهران هم رفت.

(۲) حذف \* با فرا رسیدن خرداد ماه به طور وارد فاز جدیدی شدن طرح جمع آوری ماهواره نیروی انتظامی سراغ مناطقی از شرق و شمال شهر تهران هم رفت.

همان طور که در مثال‌های فوق می‌بینید، تست حرکت به نظر تعدادی از سخنگویان فارسی زبان باعث عجیب به نظر رسیدن جمله می‌شود. تست حذف نیز به کلی جمله را غیر دستوری می‌کند. در نتیجه این ساخت قطعاً یک ساخت مرکب است.

در صورتیکه در صورتی که همه‌ی مردم به یکدیگر احترام بگذارند، جامعه سالم و آرام خواهد بود.

(۱) حرکت در صورتی جامعه سالم و آرام خواهد بود که همه‌ی مردم به یکدیگر احترام بگذارند.

(۲) حذف در صورت احترام گذاشتن همه‌ی مردم به یکدیگر، جامعه سالم و آرام خواهد بود.

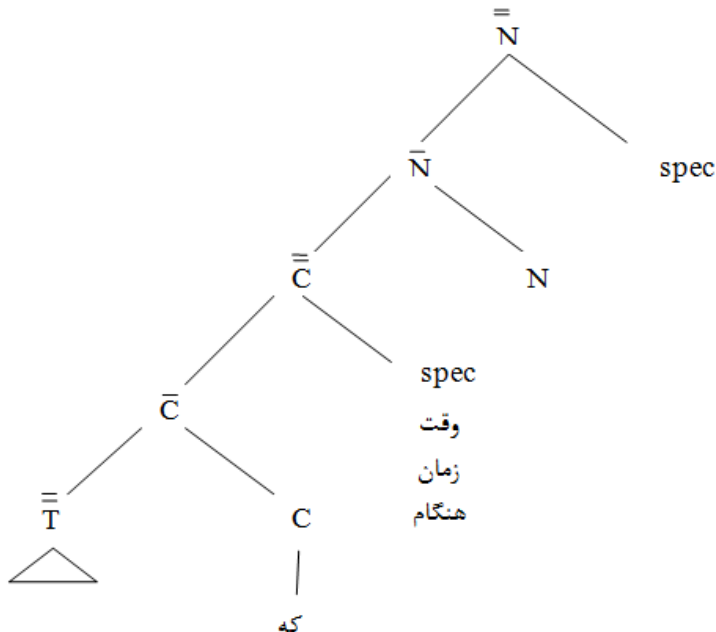
این مورد یک گروه حرف اضافه‌ای است که به دنبال آن یک پیوند دهنده و سپس، یک جمله وارہ آمده است.

پس از آنکه پس از آنکه باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس از سوی سازمان خصوصی سازی کشور قیمت گذاری شد، محمد عباسی هم به عنوان دومین وزیر پیشنهادی وزارت ورزش و جوانان به مجلس معرفی شد.

(۱) حرکت پس از آن، محمد عباسی هم به عنوان دومین وزیر پیشنهادی وزارت ورزش و جوانان به مجلس معرفی شد که باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس از سوی سازمان خصوصی سازی کشور قیمت گذاری شد.

۲) حذف پس از قیمت گذاری شدن باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس از سوی سازمان خصوصی سازی کشور، محمد عباسی هم به عنوان دومین وزیر پیشنهادی وزارت ورزش و جوانان به مجلس معرفی شد.

پس از اعمال تست حرکت هیچ مشکل دستوری در جمله ایجاد نشده است. هنگامی تست حذف بر ساخت فوق اعمال شده است، تنها « پس » باقی مانده است. به همین دلیل می‌توان چنین نتیجه گیری کرد که حذف پذیری « از آنکه » از ساخت « پس از آنکه » نشان دهنده این است که این ساخت از یک ساخت یکپارچه و مرکب نیست و « پس » از « آنکه » جدا می‌باشد. همان طور که می‌بینید، بسیاری از حروفی که تاکنون جزو پیوند دهنده‌های مرکب قرار داشتند در حقیقت « گروه حرف اضافه‌ای + که » می‌باشند که شکل آن‌ها در قالب نظریه‌ی حاکمیت و مرجع‌گزینی به صورت زیر خواهد بود: (این شکل بر خلاف شکلی که فرزین (۱۳۸۶) ترسیم کرده است (که در بخش پیشینه به آن پرداختیم) می‌باشد.



## ۴- نتیجه‌گیری

پژوهش انجام شده به نوبه خود دارای دستاوردها و نتایجی بوده است که پژوهشگران در زیر به آن‌ها می‌پردازند. در بخش تجزیه و تحلیل داده‌ها به گردآوری این دسته از حروف پرداخته‌ایم و این حروف را بر اساس آراء دستوریان پیشین و ملاحظات معنایی دسته بندی کردیم و بعد به مطالعه و دسته بندی این موارد بر اساس ملاک‌های نحوی اختصاص یافته است. بر اساس ملاحظات معنایی، پیونددهنده‌های ناهمپایگی، معانی از قبیل: علت، تقابل، غایت، الحاق و... را بیان می‌کنند و پیونددهنده‌های همپایگی، معانی از قبیل نتیجه، تضاد، تناوب، یکسانی و... را نشان می‌دهند و بر اساس ملاحظات ساختاری دو دسته از حروف را مورد مطالعه قرار دادیم. یک دسته حروفی بودند که دارای ساخت «اسم+ که» بودند. در مطالعه‌ی آن‌ها از تست‌های سازه‌ای، برخی شواهد اسمی و نیز یکی از قوانین راس استفاده کردیم که در نتیجه‌ی آن تأیید شد که عبارات «وقتی که، زمانی که، آن زمان که، هنگامی که» غیرمرکب می‌باشند و «اکنون که که» پیوند دهنده مرکب می‌باشد.

دسته دیگر حروفی بودند که دارای ساخت «گروه حرف اضافه‌ای+ که» بودند و با استفاده از دو تست حرکت و حذف تأیید کردیم که ساخت‌هایی از قبیل «به قصد اینکه، بعد از اینکه، پس از آن که، از موقعی که، در صورتی که» ساخت‌های غیر مرکب می‌باشند و عبارات «از پس که، به طوری که، مرکب می‌باشند».

## منابع:

## الف- منابع فارسی:

۱. احمدی گیوی، حسن، انوری، حسن. (۱۳۹۰). دستور زبان فارسی ۲، تهران: انتشارات فاطمی، ۳۹۱ صفحه.
۲. باطنی، محمدرضا. (۱۳۸۹). توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۹۷ صفحه.
۳. پهلوان نژاد، محمدرضا، رسول پور، حسین. (۱۳۹۱). جملات مرکب در زبان فارسی (تحلیلی بر پایه نظریه دستور نقش گرا و ارجاع). مجله زبان شناخت، شماره ۹. ص ۲۵-۱.
۴. شفائی، ا. (۱۳۷۳). مبانی علمی دستور زبان فارسی، تهران: انتشارات نوین، ۲۹۰ صفحه.
۵. عرب نژاد، ا. (۱۳۷۹). ساخت بندهای موصولی در زبان فارسی. دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، گروه زبان شناسی.
۶. غلامعلی زاده، خسرو. (۱۳۹۰). ساخت زبان فارسی، تهران: انتشارات احیاء کتاب، ۳۳۶ صفحه.
۷. فرزین، سارا. (۱۳۸۶). بررسی پیوندها در زبان فارسی بر پایه نظریه حاکمیت و مرجع گزینی. دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی، گروه زبان شناسی.
۸. مشکوه الدینی، مهدی. (۱۳۹۰). دستور زبان فارسی (بر پایه ی نظریه ی گشتاری). مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، ۲۴۲ صفحه.
۹. نغزگوی کهن، مهرداد. (۱۳۹۲). بررسی کلمات ربط تقابلی فارسی و چگونگی تکوین آن ها. فصلنامه جستارهای زبانی، شماره ۱۶، ص ۲۶۵-۲۴۵.

## ب- منابع انگلیسی:

۱. Kortmann, Bernd. (۱۹۹۷). Adverbial Subordination: A Typology and History of Adverbial Subordinators Based on European Languages. Mouton de Gruyter, Berlin, New York.
۲. Mauri, C., and Auwera, V.D. (۲۰۱۳). Connetives. P. ۳۷۷-۴۰۲. In Keith Allan and Kasia M. Jaszczolt (Eds.). The Cambridge Hand book o pragmatics. Cambridge University press, Cambridge.
۳. Mithon, Marianne. (۱۹۸۸). The Grammaticalization of Coordination. Pp.۳۳۱-۳۶۰. In J. Haiman and A.S.A. Thompson (Eds.). Clause Combining in Grammar and Discouse. Amsterdam: Benjamins.
۴. Ramat, G. and C. Mauri. (۲۰۱۴). " The Grammaticalization of Coordinating Interclausal Connective. Pp. ۶۵۹-۶۶۴. In Heiko Narrog and Bernd Heine (Eds.). Oxford Handbook of Grammaticalization. Oxford University Press.